

## موضوعات محوری در موسیقی شناسی قومی کردهای ایران

دکتر رحیم فرخ نیا<sup>۱</sup>، ابراهیم محمدی<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> دانشیار انسان شناسی، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصاد، دانشگاه بو علی سینا، همدان، ایران.  
<sup>۲</sup> کارشناس ارشد انسان شناسی و پژوهشگر آموزش و پرورش کردستان، کردستان، ایران.

(تاریخ دریافت مقاله: ۸۸/۲/۱۷، تاریخ پذیرش نهایی: ۸۸/۱۲/۹)

### چکیده:

عادات، سلیقه‌ها، تمایلات، آرزوها و مصائب انسان‌ها در قالب نظام موسیقی آنها گنجانده و بیان می‌گردد. از آنجا که موسیقی بخشی از فرهنگ است، بنابر این، برای درک و شناخت فرهنگ، به جنبه موسیقایی آن نیز باید توجه کرد. موسیقی قالبی است برای بیان اندیشه‌ها و وسیله‌ای برای بیان مفاهیمی و موضوعاتی که به شیوه‌های دیگر قابل بیان نیستند. پژوهش حاضر در صدد مطالعه موضوعات محوری در نظام موسیقی کردهای ایران است. این پژوهش بر اساس رویکرد انسان‌شناسی فرهنگی طراحی شده که در آن موسیقی به عنوان یک پدیده فرهنگی تلقی می‌شود. متناسب با تأثیر شرایط محیطی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بر زندگی این مردم، پاره‌ای از عناصر به صورت موضوعات محوری تظاهر یافته‌اند. شناسایی این موضوعات محوری مطمح نظر پژوهشگران این مقاله بر اساس فنون مردم‌نگاری، در چارچوب انسان‌شناسی بوم‌شناختی، به شکل واکاوی در درون نظام موسیقی مردم کرد ایران بوده است. یافته‌های این پژوهش بیانگر آن است که نظام موسیقایی این مردم تحت تأثیر عوامل محیطی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی، برخی از ویژگی‌ها و عناصر را برجسته‌تر از سایر جنبه‌ها و عناصر معرفی کرده است. اهمیت این پژوهش در جنبه نوآوری آن است که با رویکرد علمی انسان‌شناختی به بررسی موسیقی شناسی قومی کردها پرداخته است. نتیجه این پژوهش می‌تواند به بازنمایی علمی نظام موسیقی قومی کردها بینجامد.

### واژه‌های کلیدی:

ایران، قوم کرد، انسان‌شناسی فرهنگی، محیط‌شناسی فرهنگی، موسیقی شناسی قومی.

## مقدمه

موسیقی شناسی قومی شاخه‌ای از موسیقی شناسی است که به مطالعه جنبه‌های فرهنگی و اجتماعی موسیقی در مفاهیم محلی و جهانی می‌پردازد. ریشه این واژه به زبان یونانی یعنی ethnos (ملت) و mousike (موسیقی) برمی‌گردد. در موسیقی شناسی قومی، کل موسیقی به عنوان پدیده اجتماعی و فرهنگی و بخش از فرهنگ تلقی می‌شود. موسیقی بازتابی از عادات، سلیقه‌ها، تمایلات و در مجموع بیانگر نظام فرهنگی یک قوم یا ملت است. هر جامعه‌ای دارای نوعی موسیقی خاص است، که به صورت قالبی برای بیان اندیشه‌ها و وسیله‌ای برای بیان چیزهایی است که به شیوه‌های دیگر قابل بیان نیست. موسیقی بازگو کننده آمال، آرزوها، احساسات، غم و شادی‌ها و مقولات دیگر مانند عشق، حماسه، عرفان و بزم است.

موسیقی تنها یک پدیده غریزی صرف نیست، بلکه دارای ارتباط تنگاتنگ با سنت‌های اجتماعی، اعتقادی، جنسیت، پایگاه اجتماعی، اقتصادی، زیبایی‌شناختی، تعاون و تعامل با فرهنگ‌هایی دیگر است. بنابراین، می‌توان گفت که موسیقی آن جنبه از فرهنگ است که قابل تفکیک از حیات کلی انسان نیست و در طول تاریخ همواره همراه انسان بوده و کارکردهای مختلفی دارد. به عنوان مثال، در مقطعی از زمان، بخشی اجتناب‌ناپذیر از عمل تولید بوده و انسان‌های قدیمی برای بازده بیشتر محصول به اجرای آواز و رقص در اطراف محصولات خود می‌پرداختند. سپس با تخصصی شدن وظایف و تقسیم کار اجتماعی موسیقی از فرایند کار و تولید جدا شد، اما به عنوان محرک و انگیزه کار به حیات خود ادامه داد (آریان پور، ۱۳۵۴، ۵۳-۳۱). از کارکردهای دیگر موسیقی می‌توان به جنبه تفنن و زیبایی‌شناختی آن اشاره کرد. موسیقی در امر مداوای امراض جسمی و روحی نیز مورد استفاده بوده، اما در روند تکاملی خود، به تدریج معانی و مقاصد اولیه خود را از دست داده و به ابزاری برای ایجاد نظم و هماهنگی و همبستگی میان انسان‌ها مبدل شده است (زند باف، ۱۳۷۹، ۲۳۳).

موسیقی شناسی قومی شاخه‌ای از موسیقی شناسی است که به مطالعه جنبه‌های فرهنگی و اجتماعی موسیقی در مفاهیم محلی و جهانی می‌پردازد. ریشه این واژه به زبان یونانی یعنی ethnos (ملت) و mousike (موسیقی) برمی‌گردد. در موسیقی شناسی قومی، کل موسیقی به عنوان پدیده اجتماعی و فرهنگی و بخش از فرهنگ تلقی می‌شود. موسیقی بازتابی از عادات، سلیقه‌ها، تمایلات و در مجموع بیانگر نظام فرهنگی یک قوم یا ملت است. هر جامعه‌ای دارای نوعی موسیقی خاص است، که به صورت قالبی برای بیان اندیشه‌ها و وسیله‌ای برای بیان چیزهایی است که به شیوه‌های دیگر قابل بیان نیست. موسیقی بازگو کننده آمال، آرزوها، احساسات، غم و شادی‌ها و مقولات دیگر مانند عشق، حماسه، عرفان و بزم است.

موسیقی تنها یک پدیده غریزی صرف نیست، بلکه دارای ارتباط تنگاتنگ با سنت‌های اجتماعی، اعتقادی، جنسیت، پایگاه اجتماعی، اقتصادی، زیبایی‌شناختی، تعاون و تعامل با فرهنگ‌هایی دیگر است. بنابراین، می‌توان گفت که موسیقی آن جنبه از فرهنگ است که قابل تفکیک از حیات کلی انسان نیست و در طول تاریخ همواره همراه انسان بوده و کارکردهای مختلفی دارد. به عنوان مثال، در مقطعی از زمان، بخشی اجتناب‌ناپذیر از عمل تولید بوده و انسان‌های قدیمی برای بازده بیشتر محصول به اجرای آواز و رقص در اطراف محصولات خود می‌پرداختند. سپس با تخصصی شدن وظایف و تقسیم کار اجتماعی موسیقی از فرایند کار و تولید جدا شد، اما به عنوان محرک و انگیزه کار به حیات خود ادامه داد (آریان پور، ۱۳۵۴، ۵۳-۳۱). از کارکردهای دیگر موسیقی می‌توان به جنبه تفنن و زیبایی‌شناختی آن اشاره کرد. موسیقی در امر مداوای امراض جسمی و روحی نیز مورد استفاده بوده، اما در روند تکاملی خود، به تدریج معانی و مقاصد اولیه خود را از دست داده و به ابزاری برای ایجاد نظم و هماهنگی و همبستگی میان انسان‌ها مبدل شده است (زند باف، ۱۳۷۹، ۲۳۳).

اقوام مختلف با توجه به شرایط محیطی، فرهنگی اجتماعی و اقتصادی خود، اشکال متفاوتی از موسیقی را ابداع کرده‌اند؛ با این وصف، موسیقی را باید از مقولات پیچیده نظام فرهنگی بشمارید. بخشی از علایق محققان به مقوله موسیقی در پیچیدگی و جهان‌شمول بودن آن نهفته باشد. موسیقی از عجیب‌ترین جلوه‌های هنر و قدیمی‌ترین هنرهاست. کاربردهای نمادین موسیقی می‌تواند در بعد هویت قومی نیز مورد نظر باشد. موسیقی هر قومی رابطه مستقیم با حالات، کیفیات روحی، فکری و صحبت و کلام آنها دارد. بنابراین، ساختار موسیقی هر قومی تحت همین شرایط و حالات و کیفیات زندگی شکل گرفته‌اند. این پژوهش درصدد شناسایی پاره‌ای از موضوعات محوری

موسیقی قومی شناسی قومی شاخه‌ای از موسیقی شناسی است که به مطالعه جنبه‌های فرهنگی و اجتماعی موسیقی در مفاهیم محلی و جهانی می‌پردازد. ریشه این واژه به زبان یونانی یعنی ethnos (ملت) و mousike (موسیقی) برمی‌گردد. در موسیقی شناسی قومی، کل موسیقی به عنوان پدیده اجتماعی و فرهنگی و بخش از فرهنگ تلقی می‌شود. موسیقی بازتابی از عادات، سلیقه‌ها، تمایلات و در مجموع بیانگر نظام فرهنگی یک قوم یا ملت است. هر جامعه‌ای دارای نوعی موسیقی خاص است، که به صورت قالبی برای بیان اندیشه‌ها و وسیله‌ای برای بیان چیزهایی است که به شیوه‌های دیگر قابل بیان نیست. موسیقی بازگو کننده آمال، آرزوها، احساسات، غم و شادی‌ها و مقولات دیگر مانند عشق، حماسه، عرفان و بزم است.

موسیقی تنها یک پدیده غریزی صرف نیست، بلکه دارای ارتباط تنگاتنگ با سنت‌های اجتماعی، اعتقادی، جنسیت، پایگاه اجتماعی، اقتصادی، زیبایی‌شناختی، تعاون و تعامل با فرهنگ‌هایی دیگر است. بنابراین، می‌توان گفت که موسیقی آن جنبه از فرهنگ است که قابل تفکیک از حیات کلی انسان نیست و در طول تاریخ همواره همراه انسان بوده و کارکردهای مختلفی دارد. به عنوان مثال، در مقطعی از زمان، بخشی اجتناب‌ناپذیر از عمل تولید بوده و انسان‌های قدیمی برای بازده بیشتر محصول به اجرای آواز و رقص در اطراف محصولات خود می‌پرداختند. سپس با تخصصی شدن وظایف و تقسیم کار اجتماعی موسیقی از فرایند کار و تولید جدا شد، اما به عنوان محرک و انگیزه کار به حیات خود ادامه داد (آریان پور، ۱۳۵۴، ۵۳-۳۱). از کارکردهای دیگر موسیقی می‌توان به جنبه تفنن و زیبایی‌شناختی آن اشاره کرد. موسیقی در امر مداوای امراض جسمی و روحی نیز مورد استفاده بوده، اما در روند تکاملی خود، به تدریج معانی و مقاصد اولیه خود را از دست داده و به ابزاری برای ایجاد نظم و هماهنگی و همبستگی میان انسان‌ها مبدل شده است (زند باف، ۱۳۷۹، ۲۳۳).

اقوام مختلف با توجه به شرایط محیطی، فرهنگی اجتماعی و اقتصادی خود، اشکال متفاوتی از موسیقی را ابداع کرده‌اند؛ با این وصف، موسیقی را باید از مقولات پیچیده نظام فرهنگی بشمارید. بخشی از علایق محققان به مقوله موسیقی در پیچیدگی و جهان‌شمول بودن آن نهفته باشد.

موسیقی از عجیب‌ترین جلوه‌های هنر و قدیمی‌ترین هنرهاست. کاربردهای نمادین موسیقی می‌تواند در بعد هویت قومی نیز مورد نظر باشد. موسیقی هر قومی رابطه مستقیم با حالات، کیفیات روحی، فکری و صحبت و کلام آنها دارد. بنابراین، ساختار موسیقی هر قومی تحت همین شرایط و حالات و کیفیات زندگی شکل گرفته‌اند.

این پژوهش درصدد شناسایی پاره‌ای از موضوعات محوری

بنیان موسیقی را مردمان سامی (مصر، کلد و سومر) بنا نهادند، اما اساس علمی موسیقی را یونان و مبنای موسیقی شرقی را ایرانیان ریختند. اما این یونانیان بودند که برای موسیقی نظریه نوشتند و آهنگ را با حروف یادداشت کردند (همان، ۲۱).

موسیقی در میان مصریان باستان جنبه روحانی داشت؛ آنان در مقابل مجسمه خدایان با حالت تضرع و زاری آواز مذهبی می‌خواندند و مردم پشت سر آنها سرود را تکرار می‌کردند. یهودیان چون به لحاظ دینی مجسمه‌سازی و صورت‌سازی را حرام می‌دانستند، به شعر و موسیقی روی آوردند (همان، ۲۲). مذهب نقش و تأثیر زیادی بر هنر موسیقی داشته است. در طول تاریخ مذهب و موسیقی در بطن زندگی اجتماعی بشر حضور داشته است. صوت انسان و موسیقی همواره با مسایل احساسی و عاطفی بشر قرین بوده‌اند، و مذاهب نیز علاوه بر منشأ ماورایی و رابطه عمیق با فطرت انسان‌ها به عنوان نمونه‌ای از کهن‌ترین مکاتب فلسفی ارتباط با فطرت و طبیعت بشری، ضمن تأثیرگذاری بر کیفیت و کمیت و شکل و محتوی موسیقی به واسطه‌ی این حس مشترک از موسیقی و صوت انسانی بهره برده‌اند (همان، ۲۳).

تشریفات مذهبی در ایران باستان همراه با موسیقی بوده و این همراهی مذهب و موسیقی به زمان ساسانیان باز می‌گردد که موسیقی‌دانان از مقام و منزلت بالایی برخوردار بودند، در مراسم مذهبی موسیقی ایفای نقش می‌کرد. بهرام گور دستور داد بیش از هفت هزار نوازنده و خواننده از هندوستان به ایران آورند. در پایان فصل برداشت محصول، کشاورزان مقداری از محصول خود را به آنها می‌دادند. این گروه نوازندگان دوره‌گرد را سوری، کاولی یا کابلی می‌نامیدند. برخی معتقدند که کولی‌های امروز ایرانی بازماندگان آن نوازندگان هستند. برجسته‌ترین هنرمندان موسیقی دوره ساسانی عهد خسرو پرویز، باربد و نکبسا بودند، نکبسا آفریننده اثر "هفت خسروانی" و باربد را صاحب سی لحن و سیصد و شصت داستان می‌دانند (جنیدی، ۱۳۷۲، ۳-۱۴۲). شعر دوره ساسانیان به صورت هجایی بوده و بدین لحاظ، بین شعر و موسیقی پیوندی عمیق وجود داشته و شعر با آهنگ خوانده می‌شد (بینش، ۱۳۷۶، ۳۵).

بعد از ورود اسلام به ایران و تحریم موسیقی از سوی روحانیان و فقیهان، موسیقی در ایران در سه مجرای اساسی تحول یافت: ۱) موسیقی: بزمی ۲) موسیقی عرفانی و ۳) موسیقی عامیانه (مشحون، ۱۳۴۸، ۵۷). لحن موسیقی در سده‌های بعدی به تدریج روند رو به رشد را تجربه کرد، دانشمندانی چون فارابی، ابن سینا، ارموی، مراغه‌ای و قطب‌الدین شیرازی به احیای هنر موسیقی روی آوردند (سپنتا، ۱۳۶۹، ۱۲).

کردها موسیقی خود را با شمشال و نی لیک آغاز کردند،

وارد عمل می‌شوند و سوم یافتن میدان تأثیر گذاری الگوهای رفتاری در بهره برداری از محیط بر سایر جنبه‌های فرهنگی (فکوهی، ۱۳۸۱، ۲۱۹).

گردآوری داده‌های این پژوهش با استفاده از فنون مردم‌نگاری، مانند مصاحبه عمیق با اطلاع‌دهنده‌های کلیدی بوده است. پس از کشف این گونه افراد و قرار ملاقات با آنها مصاحبه در چندین نوبت صورت می‌گرفت (تعداد اطلاع‌دهنده‌های کلیدی ۹ نفر بودند). در گام بعدی، پیاده کردن نوارهای موسیقی کردی و تحلیل محتوای آهنگ‌های آنها و شرکت در برخی از مجالس موسیقی در دستور کار این پژوهش بوده است. یکی از پژوهشگران این پژوهش (محمدی)، به مدت یک سال (۸۷-۱۳۸۶) کار میدانی را دنبال کرده است. در مراجعه بعدی، تحلیل عناصر و موضوعات از محتوی نظام موسیقی کردی به عمل آمد تا به هدف پژوهش، شناسایی موضوعات محوری در موسیقی‌شناسی قوم کرد، دست بیابیم. جامعه آماری این پژوهش را مردم کرد ساکن استان‌های کردستان، کرمانشاه و آذربایجان غربی تشکیل داده اند. کردها از اقوام اصیل ایرانی یعنی مادها هستند که از دیرباز در منطقه زاگرس اسکان یافته‌اند. مینورسکی معتقد است که زبان کردی از خانواده شمال غربی زبان‌های ایرانی است (صافی زاده، ۱۳۷۵، ۳۰-۲۹). زبان کردی دارای گویش‌های مانند کرمانجی شمالی (شمال خراسان و اطراف اورمیه)، گویش کرمانجی جنوبی (کردستان، کردهای جنوب آذربایجان غربی) و گویش گورانی (اورامانات و بخشی از کرمانشاه) و گویش لکی در کرمانشاه، صحنه، هرسین و کنگاور است (همان، ۲۳-۲۱).

## پیشینه موسیقی

در خصوص سابقه و پیدایش موسیقی ادعاهای گوناگون شده است؛ برخی منشأ موسیقی را به پدیده‌ای طبیعی چون صدای آبشار، وزش باد از لابلای برگ درختان، نغمه پرندگان و... نسبت می‌دهند. عده‌ای نیز پیدایش موسیقی را به سرودهای مذهبی و آوازه‌های دسته جمعی مربوط به پرستش الوهیت‌ها مربوط می‌دانند. گروهی نیز بر این باورند که پیشینه موسیقی به اعلان خبر بر می‌گردد، زیرا انسان‌های ابتدایی برای صدا زدن یکدیگر از دو نوع صوت کوتاه و بلند استفاده می‌کردند و خبرها را با صدای طبل اعلام می‌نمودند. مارکسیت‌ها نیز موسیقی را فریاد کار دانسته‌اند. برای مثال، شخصی که آهنگری می‌کرد، ضربه وارد کردن او همراه با آهنگ و نظم بود؛ به طوری که اعضای بدن مانند دست‌ها، چشم‌ها و سایر اندام‌های فرد با ضرب آهنگ موجود منطبق می‌شد، آنگاه از دهان شخص ضربه‌زن جملاتی موزون و هماهنگ خارج می‌شد که از نظر تأکید (آکسان)، ملودی و کشش با گفتگوی روزانه او متفاوت بود؛ در این حالت موسیقی به عنوان فریاد کار ظاهر گردید (کاظمی، ۱۳۷۵، ۲۱-۲۱).

چوپانان کرد امروزه نیز از این ادوات موسیقی استفاده می‌کنند. برخی از موسیقی‌دانان معروف کرد در گذشته دور عبارتند از: مسلم بن محرز، ابراهیم موصلی، زریاب موصلی، منصور زلزل، عبدالقادر مراغه‌ای و باربد در عصر ساسانیان.

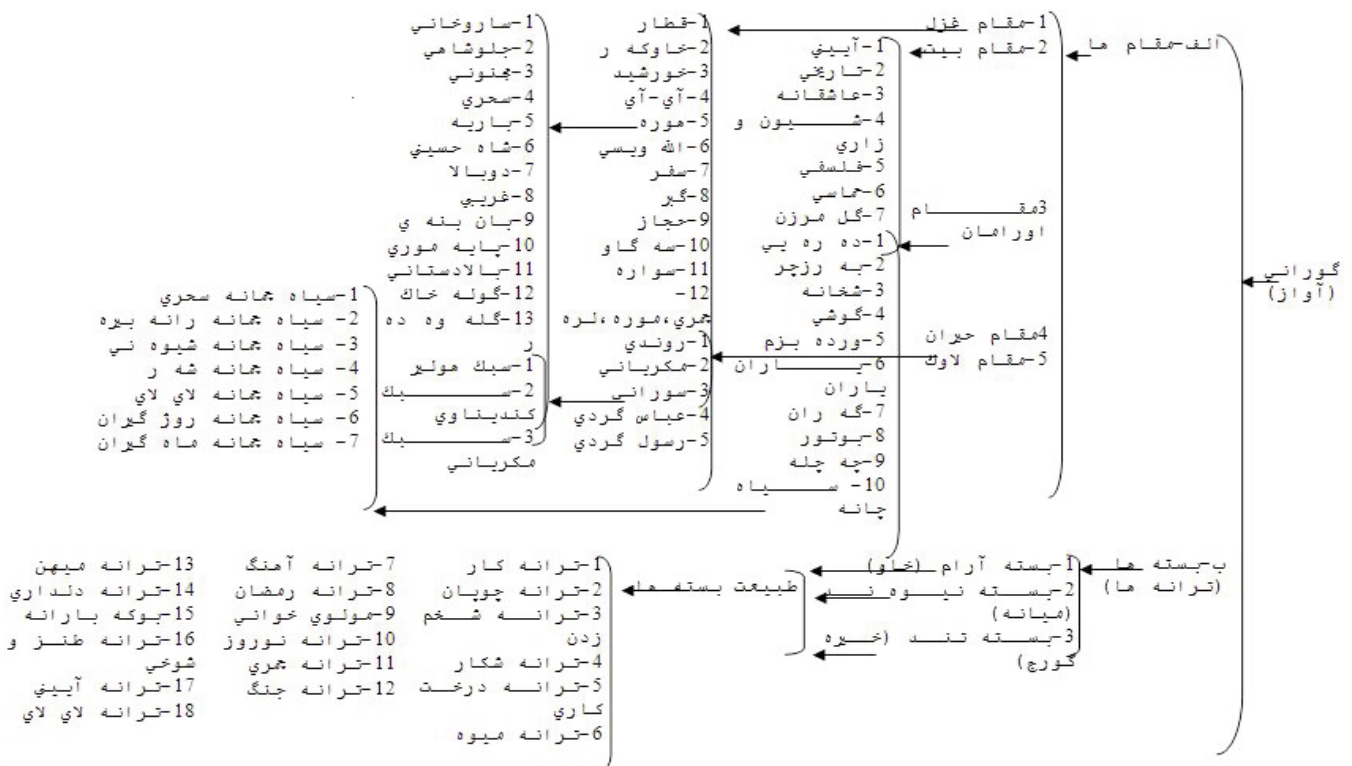
## گورانی (آواز) کردی و انواع آن

گورانی در موسیقی کردی به دسته‌ای از نغمه‌ها گفته می‌شود که سابقه بس طولانی در میان این مردم دارد. کردها هر شعر عامیانه‌ای که با ملودی خاص خوانده شود، گورانی می‌نامند. نام‌های دیگر گورانی لاوژه و ستران است. اشعار گورانی معمولاً ده‌هجایی است. گورانی مختص طبقات اجتماعی خاص چون کشاورزان بوده و به معنی مردی بدون قبیله است (شاربازی، ۱۹۸۵، ۶۶). اما دسته‌ای ادعا می‌کنند که گورانی واژه تحریف شده گبرانی (آتش پرست) است، یعنی زمانی که کردان پیرو آیین زردتشت بودند، آوازهای مذهبی در مدح و ستایش اهورامزدا، آتش، خورشید و روشنایی... اجرا می‌کردند، که با ورود اسلام به ایران، جهت این مباحی مذهبی به جانب خدا، رسول خدا، ائمه و اولیا تمایل پیدا کرد، در نتیجه واژه گبرانی به گورانی تغییر پیدا کرد (جاوید، ۱۳۷۸، ۱۹-۲۰). برخی نیز گفته‌اند که گورانی متعلق به مردمان آتش پرست است که، از جماعت زردتشت و به‌دین هستند (آکوف ۲، گ، ب، ترجمه سیروس، ایزدی، ۵۵-۵۴).

یکی از پژوهشگران کرد (محمد مکری) معتقد است که گورانی منسوب به گروهی از مردم است که با همین نام در بین کرمانشاه و سنندج سکنا گزیده‌اند (شاربازی، ۱۹۸۵، ۸-۴۶). دسته‌ای دیگر ادعا می‌کنند که گوران نام یکی از ایلات کرد زبان است که پیرو کیش یارسان بوده و دارای آداب ویژه‌اند که در اطراف کرمانشاه و منطقه زنگنه زندگی می‌کنند (صفی زاده، ۱۳۷۵، ۵۴). گورانی (آواز) کردی به دوشق عمده تقسیم می‌گردد: الف-مقام ب-بسته (ترانه)

### الف) مقام

واژه مقام در زبان کردی به معنی پله، پایه جایگاه و دستگاه به کار رفته است. در ادبیات موسیقی کردی این واژه را هه وای دریز (آواز آزاد) می‌گویند. در این نوع موسیقی خواننده مجاز به هر گونه دخل و تصرف در خواندن است. نت نویسی در این سبک از موسیقی مشکل است، اجرای آن یک نفره و گاهی دو نفره است (شاربازی، ۱۹۸۵، ۴۹-۴۸). این نوع موسیقی سنگین و غیر ریتمیک است و جنبه خزن و اندوه و شکوه در آن هویدا است. ساختار این سبک از موسیقی با تعقل و تعمق پیوند خورده است. خوانندگان مشهور این سبک از موسیقی عبارتند از: سید علی اصغر کردستانی، علی مردان، محمد صالح دیلان، طاهر توفیق، عزیز شاهرخ، مظهر خالقی و ناصر رزازی. مقام‌ها به پنج دسته تقسیم می‌شوند که عبارتند از: مقام غزل، مقام اورامان، مقام بیت، مقام حیران، و مقام لاوک (جدول ۱).



می‌شود. مقام حیران به شاخه‌های چند تقسیم می‌شود، که معمولاً هر شاخه‌ای منتسب به نام مشهورترین خواننده آن شاخه یا تیره یا قبیله‌ای است که خواننده از آن برخاسته است. برای مثال سبک مکرانی نام خود را از طایفه مکری (مهاباد) و حیران رسول گردی نام خود را از فردی به همین نام اخذ کرده است.

**۵. مقام لاوک،** واژه لاوک برگرفته از لاو به معنای جوان است. این سبک از موسیقی بیشتر جنبه حماسی دارد و در وصف شجاعت و جوان مردی جوانان توسط زنان خواننده می‌شود. لاوک در مایه شور و چهارگاه اجرا می‌شود (همان، ۲۱). این مقام را می‌توان خاص زنان دانست، هرچند مردان نیز آن را اجرا می‌کنند.

**(ب) بسته (ترانه)،** کلمه بسته به معنای بند در اوستا و بستن در زبان پهلوی آمده است. ریتم این نوع موسیقی شاد است، بسته به سه قسمت تقسیم می‌شود، بسته تند و سریع (خیره گورج)، بسته متوسط (نبوه ند) و بسته آرام (خاو). طبیعت بسته‌ها به ماهیت و نوع زندگی این مردم بر می‌گردند. برخی از بسته‌ها در حوزه کار و فعالیت‌های اقتصادی (کشاورزی، دامداری، شکار و غیره) قرار دارند، مانند ترانه کار، ترانه چوپان، ترانه شکار، ترانه درخت کاری و غیره. گروهی از بسته به باورهای مذهبی مربوط اند مانند ترانه آیینی، رمضان، مولودی خوانی و غیره. تعدادی از ترانه‌ها نیز در زمره موسیقی حماسی قرار دارند، برای مثال، چمره، جنگ و جوان مردی، لای لای و شماردیگری نیز در حوزه سرگرمی، طنز و شوخی قرار می‌گیرند، برای نمونه، عروس باران و غیره.

## موضوعات محوری موسیقی کردی

تجزیه و تحلیل عناصر درونی موسیقی کردی، بیانگر این است که موسیقی صرفاً یک نیاز زیستی نیست بلکه پدیده‌ای فرهنگی است. موضوعات محوری استخراج شده از متن موسیقی کردی نشان می‌دهد که در تمام ابعاد زندگی، حالات و روحيات، غم و شادی مرگ و عزا، جشن، فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی حضوری چشمگیر دارد.

در واقع، موسیقی آینه تمام‌نمای روح جمعی اجتماع آنهاست. از نظر پژوهشگران این مقاله، آن دسته از موضوعات که بیشتر مورد تأکید و تکرار در مضمون ترانه‌ها و مقام‌های کردی بوده، تحت عنوان موضوعات محوری شناسایی از آنها یاد شده است. فهرست موضوعات محوری و ویژگی‌ها آنها به زبان کردی و ترجمه آنها به زبان فارسی در جدول ۲ آمده است.

**۱. مقام غزل،** در این سبک از موسیقی نام غزل بیشتر با موضوع مورد بحث وجه تسمیه دارد، برای مثال غزل قطار، درباره کاروان‌های جاده ابریشم میان ایران و چین است (شاهرخ، مصاحبه شفاهی)، یا غزل خورشید که به مناسبت استقبال از طلوع آفتاب است و غزل گبر در وصف آتش پرستی کردان یا غزل هوره در ستایش اهور مزدا است (شاربازی، ۱۹۸۵، ۴۰).

**۲. مقام اورامان:** مهم‌ترین و قدیمی‌ترین سبک موسیقی در منطقه اورامانات است که دارای سابقه دیرینه است. مقام اورامان به شعبات متعددی تقسیم می‌گردد که سیاه چمانه معروف‌ترین آنهاست، سیاه چمانه خود باز به شاخه‌های چندی تقسیم می‌شود. نحوه اجرای سیاه چمانه دو یا سه نفره است (در اصطلاح محلی دو قولی یا سه قولی گفته می‌شود)، یعنی ابتدا خواننده برتر مصرع اول بیت را می‌خواند و نفر دوم مصرع دوم، و نفر سوم مصرع اول را تکرار می‌کند. اجرای این سبک از موسیقی کاری مشکلی است، زیرا ایجاد هم‌آهنگی خواننده اصلی با خوانندگان دیگر به طور هم‌زمان توانایی‌های خاصی را طلب می‌کند، بنابراین، تعداد خوانندگان این سبک از موسیقی بسیار اندک اند. معنی واژه سیاه چمانه یعنی چشم سیاه و سیاه جامه. مضمون و محتوی این سبک از آواز را عناصری چون عشق، طبیعت، غم، هجران، جدایی و وصلت تشکیل می‌دهد (همان، ۲۰-۳۵). مقام‌های دیگر اورامان بیشتر به طبیعت زندگی مردم آن دیار پرداخته اند، برای مثال، مقام ده رهی به هنگام لایروبی جوی آب و شخم زدن زمین مربوط است، مقام شیخانه در وصف بزرگان دین مانند حضرت محمد(ص)، مؤسسین طریقت دراویش، مشایخ و غیره است و مقام گوشه که در آن خواننده دست بر روی گوش می‌گذارد و شروع به خواندن می‌کند، شیوه قاریان قرآن تقلیدی از این شیوه است.

**۳. مقام بیت،** نوعی داستان حماسی و عاشقانه است. موسیقی بیت دارای قهرمان است قهرمانی که پایانی تراژدیک دارد، در مقام بیت سرگذشت قهرمان در مضمون و محتوی بیت بیان می‌گردد (برخوردار، ۱۳۸۰، ۲۸). مضامین موسیقی بیت شامل جنبه‌هایی آیینی، تاریخی، عاشقانه، فلسفی و حماسی و غیره است. در مقام بیت تاکنون ۱۳۸ داستان بازگو شده اند (جاوید، ۱۳۷۸، ۱۹).

**۴. مقام حیران،** سبکی از موسیقی است که به شرح ماجرای سرگردانی و عجایب زندگی مردم کرد می‌پردازد. محتوی آن از عناصری چون ناکامی‌های زندگی، سرخوردگی در عشق و غیره تشکیل یافته است. این نوع موسیقی در دستگاه شور اجرا

جدول ۲- موضوعات محوری موسیقی کردی.

موضوعات محوری	ویژگی‌های موضوع	نمونه به زبان کردی	ترجمه نمونه به زبان فارسی
غم غربت	دینی، فلسفی، روان شناختی	تا به که ک بیرم له کوردستان و له ش هه ر لیره بی Ta ba kae birm la kurdistan-u- las har lera be	تا کی یادم در کردستان و جسمم در غربت باشد.
پایداری در برابر احجاف	شکوه، ایستادگی، بیگانه ستیزی	گه رچی تووشی ره نچه رویی و حه سره ت و ده ردم ئە من Gar cy toosi rranja rroy -u- dardm amin قه ت له ده س ئە م چه رخه سپله نا به زم مه ردم ئە من Qat la das am carxa spla nabazm mardm amen گه رله برسان له به ربی به رگی ئە م رو ره ق هه لیم Gar la brsan la bi bargi amrro rraq halem نوکه ری بیگانه نا که م تا له سه رهه ردم ئە من Nokari beygana nakam ta la sar hardm amen	هر چند اسیر رنج و درد و محنت روزگار شوم هرگز در برابر چرخ چپ گرد سر تسلیم فرود نمی آورم و مردانه مقاومت می‌کنم. اگر امروز به خاطر تهیدستی از گرسنگی بمیرم تا جان در بدن دارم نوکری بیگانه را نخواهم کرد.
طبیعت گرایی	شب، روز، چشمه، ماه، خورشید، کوهستان، رودخانه، پرندگان و غیره	ديسان شه و هات کانی کانی، گول وه نه و شهی باخان، پایزه پایزه، ئە وه به هاره، تهیره که ی گه زمین، کو مه له شاخی، وه کو کویستانی بیستون، سیروان ده خيله ناگر ده باری، ئە هی مانگ من و توهه ر دو هاو ده ردین.	باز شب آمد، چشمه چشمه، گل بنفشه باغ، پاییز پاییز، بهار آمد، پرند گرمسیر، بیشه درخت، کوه بیستون، رودخانه، سیروان ای ماه من و تو درد مشترک داریم
زن	نمودی چندگانه دارد، مظهر دلسوزی، تقدس، مهربانی،	ئه گه ر دایه به تی کوشان به ری ئە و خاکه دا مردم Agar daea ba tekosan la rre avxaka da merdm	ای مادر اگر در راه خاک وطن، جانم را فدا کردم مبدا به زهنت

خطور کند که دچار رنج و محنت گشته ام.	نه لی روله م توشی ره نج و مهینه ت بو، وهی دانه Naly rrolam to si rranj -u- mainat bw wai daya	پاکی، مقایسه با زیبایی‌های طبیعت مانند، گل سرخ، صنوبر، ماه، خورشید، ستاره سهیل
--------------------------------------	---	--

موضوعات محوری	ویژگی‌های موضوع	نمونه به زبان کردی	ترجمه نمونه به زبان فارسی
	هلو، سیب و غیره در نمودی دیگر زن مظهر: مکاری، بی وفایی، دروغ گو، عهد شکن	مانگی یه ک و بو یه دایم زیاد نه کاو نه شنی ته وه Mangi yak saw bwya daym ziad akaw asnetava تا جوانی خوی وه کو روی تو بر ازینیتته وه Ta iwani xoe vako rroi to brrazenetava تا ده گا ته چارده هم تی ده گا، ناگا به تو Ta dagata cardahm te daga naga ba to جاله داخا ورده ورده که م نه کاو نه تویته وه Ja la daxa wrda wrda kam akaw atwetava	ماه شب اول دائماً در حال بزرگ شدن و نورافشانی کردن است تا در زیبایی به دلدار من برسد، وقتی به شب چهاردهم رسید و کامل گشت و دریافت به جمال او نمی رسد آن گاه از غصه زره زره نحیف و لاغر میشود.
هویت	هویت قومی، آریایی، ماد، تبار کاوه آهنگر، هویت فرهنگی، مهمان نوازی، صداقت، عهد و پیمان و غیره	له نیو کوردانه بو پهیمان شکینی la new kurda nabo paeman skeni له کی فیر بویت گولم پهیمان شکاندن La ke ferboit gvllm paeman skandn ئه‌هی کورده کان ئه‌هی به چکه شیر natawae kawae dler ئه‌هی نیشتمان نیشتمانی جوان Ae kurdakan ay backa ser	در میان قوم کُرد شکستن پیمان سابقه نداشته تو عهد شکنی را از که آموختی. ای که تو فرزند کاوه آهنگری ای کردهای که فرزندان شیر هستند. ای وطن وطن زیبا

سرزمین آریا وطن کردها	Ae خاکی ئاریا و وه ته نی کوردان nistman nistmanijwan		
غم روزگار مرا پیر و فرتوت کرده احساس و هوش را از من گرفته است، هنگامی که شاعر و هنرمند بی احساس گردد باید از میان مردم رخت بریندد.	خه م و ده ردی زه مانه پیری کردن و شک و بی ده وقم Xam-u- dardi zamana piri krdnvsk -u- be zavqm که شاعر و شک و بی ده وق بوو ده بی بروی له نیو خه لکانه مینی Ka sa,r vsk-u-be zavq boo dobe la nev xalka namene	هنرمند، هنرمند متعهد، هنرمند آواره، شاعر هنرمند سیاسی و ایدئولوژیک	هنر

ترجمه نمونه به زبان فارسی	نمونه به زبان کردی	ویژگی‌های موضوع	موضوعات محوری
جایی برای آرامش ندارم، خاک بر سرم که کسی به فریادم نمی رسد. همچون مجنون آوارهی کوه و بیابانم، و مستحق طعنه‌ی دوست و دشمن هستم باور بر این است که زندگی مرفه برای هنرمند جزو محالات است، زیرا او انسانی پر مشقت و پر زحمت بااست و زحماتش بر باد است..	جیم نییه تیا بصره وم خاکم وه سه ر، بی لانه خوم Jem nea tea bsravm xakm va sar be llana xom بی که س و بی ده ر بی یار و ها و ده م بی مه‌ی و مه‌بخانه خوم Be kas-u-be yar-u-haw dam be mai-u- mayxana xom نیرسی مه جنوونه خه لاتم، ئاوارهی ئه و کیوانه خوم Irsimajnuna xallatm awarae aw kewana xom مسته حه قی تیر و تانه‌ی ئاشتا و بیگانه خوم Mstahaqi tir-u-tanae asna-u-begana xom هونه ر مه ند و ژیاتی خوش مه حاله Honar mand-u- zany xos mahalla هونه ر مه ند ره نجه رو و ده نج به خه ساره Honarmand rranja rro rranj ba xasara		
ایران، ایران ای مسکن شیران که همچون ستاره‌ای درخشان راهنمای سایر ستارگان شده‌ای عاشق وطنم، جانم فدای وطن است، خطاب به سرزمین کردستان می گوید که: تو زادگاه هزاران ساله‌ی من هستی، و من دست پرورده‌ی کوه و دشت تو	ئیران، ئیران، ئیران بووی به مه سکه نی شیران Eeran eeran eeran booi ba maskani s eran چاوت گه لاویژه جلوه کیشی ئه ستیران Cawt galaveza jlva ke si asteran Av ئه و عشقه عشقی و لاته esqa esqi wllata Watan gyanm فداته	علاقه به کشور به سرزمین نیاکان منطقه کردستان	وطن دوستی



هستم.	ba fdata کوردستان: جیگامی، جیی هه زار ساله م Kurdistan jegami jey hazar salam پروه ردهی ئه م دول و سه ر لوو تکه و یاله م Parvardae am dolo sar lootka-v-yalam		
دنیا را همچون سرایی است ه در گذر، گاهی شادی می آورد و گاهی غم	دنیا بی بنیا کاروان سه رای ره تگ Dniae be bnia karwan sarae rvang ساتی وه دل شاد ساتی وه دل ته تگ Sate wa dll sad sate wa dll tang	قناعت	دنیا گریزی
همه‌ی ناکامی‌های خود را به چرخ گردون، شانس و اقبال بد خود مرتبط می‌سازد.	ده سه لاتی من چی بوو، نه ردی به ختم وای هانی Dasallati mn ci boo nardi baxtm way hany چه رخی چه ب وای لیکر دووم تو بو خوشت ئه زانی Carxi cab wae le krdom to bo xost azani	شانس، اقبال دخالته نیروهای بیرونی	تفدگرای
<b>ترجمه نمونه به زبان فارسی</b>	<b>نمونه به زبان کردی</b>	<b>ویژگی‌های موضوع</b>	<b>موضوعات محوری</b>
تو برای مردم کرد مانند درخت ریشه دار هستی کوردستان با نام تو همه جا شناخته می‌شود.	بو گه لی کوردی هه ژار Bo galli kurdi hazar بوی به داری ریشه دار Boy ba dari rrisa dar کوردستان به ناوی تو Kurdistan ba nawi to	وصف قهرمانان اسطوره سازی از نیاکان و هم تباران	حماسی، تاریخی
عقاب مرگ مرا تعقیب می‌کرد، مرگی که تمام دانایان در آن سر درگم اند.	وه هه لوی مر دنه را وی کردن Va haloimrdna rravikrdn راو به تالی من نه هات که نه مردم Rav ba talimn ahath ka amrdmn مردنی نه هینده سووک و سانا Mrdne na henda sook -u- sana سه رک گیران هه زاران زانا Sdri gezavn hazaran zana	سردرگمی	مرگ و زندگی

## تحلیل یافته‌ها

برای کشف عناصر و موضوعات محوری در موسیقی کردی، پژوهشگران این مقاله مقام‌ها و ترانه‌های موسیقی این مردم را در اشکال گوناگون مورد واکاوی قرار داده‌اند، و برای شناسایی و کشف موضوعات محوری بر اصل تکرار و تأکید یک موضوع به مثابه مهم بودن آن موضوع توجه داشته‌اند. بنابراین، موضوعات دسته بندی شده در جدول ۲ جزء موضوعات محوری موسیقی کردی شناخته شده‌اند.

موضوعات محوری شناسایی شده هر کدام تحت تأثیر عوامل مختلفی چون محیط، نظام اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شکل گرفته‌اند، در اینجا سعی شده تا در چارچوب نظری پژوهش یعنی بوم‌شناسی فرهنگی مورد تحلیل قرار گیرند.

یکی از موضوعات محوری نظام موسیقیایی کردی مقوله غم غربت است، که در حالات فلسفی، دینی و روان شناختی قابل توصیف است. موضوع غربت حکایت از جدایی انسان از زمینه فرهنگی، اجتماعی و محیطی دارد، که در آن فرد تمایل بازگشت به زمینه اصلی خویش را دارد. از آنجا که بیشتر این مردم به اقتضای شیوه امرار معاش مجبور به کوچ و نقل مکان بوده‌اند، توجه به احساس حالات غربت در میان این مردم حضور این عنصر در غزل‌ها و ترانه‌های ایشان مورد تأکید قرار گرفته است.

پایداری و مقاومت در برابر احساس احجاف عنصری پر رنگ در نظام موسیقی کردی است، که در قالب شکوه، گلایه و ایستادگی و گاهی با اتخاذ شیوه بیگانه ستیزی به طرح آن پرداخته‌اند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهند عناصر طبیعت‌گرایی، مانند شب، روز، چشمه، پرندگان، درخت، کوهستان، خورشید و رودخانه که از عناصر پیرامون محیط مردم کرد هستند، به دلیل وابستگی این مردم به این عناصر حضور آنها را در متن آرزوها، تمنیات و علایق خود انعکاس داده‌اند.

زن در نظام موسیقی کردی انعکاسی تام دارد، در موسیقی مقام و بسته به کرات به زن اشاره شده است. اما حضور زن در موسیقی کرد از زوایای مختلف قابل توجه است. در پاره‌ای از مقام‌های کردی زن را مادری مقدس، پاکدامن، صبور و با غیرت و فداکار معرفی شده است، چرا که مردان بزرگی را تربیت نموده‌اند و فرزندان شجاعی را به جامعه جهت صیانت از مملکت و سرزمین خویش معرفی کرده‌اند. در پاره‌ای از آهنگ‌های کردی، زنان را موجودات مکار، بی وفا، حيله گر، افسون‌گر و پیمان شکن نشان داده‌اند. از زاویه‌ای دیگر موسیقی کرد به وصف زنان اشارات فراوان دارد، در آن زنان به ماه، خورشید، ستاره، هلو، کبک، آهو، گل سرخ، صنوبر، و پروین و غیره تشبیه شده‌اند، که حکایت از نوعی پیوند نمودهای زیبایی طبیعی با مضامین زیبایی‌شناختی فرهنگ این مردم دارد. این گونه توصیف از زن می‌تواند ناشی از سرکوب‌گری جنسی نیز باشد، که به این طریق افراد این جامعه خود را تخلیه می‌کنند.

هویت در ابعاد گوناگون مانند هویت ملی، محلی، قومی و فرهنگی

از موضوعات محوری نظام موسیقیایی کردها است، زیرا موسیقی نقش بسزایی در معرفی هویت یک ملت دارد. در پاره‌ای از آهنگ‌های کردی، انتساب اصل و نسب به نژاد آریایی، قوم ماد، کاوه آهنگر و تأکید بر ویژگی‌های فرهنگی چون مهمان نوازی، صداقت، وفا به عهد از مقولات و موضوعات محوری در ادبیات موسیقی کردی می‌باشند.

هنر نوعی زبان است که افراد از طریق آن احساسات و ادراکات خود را به دیگران انتقال می‌دهند و هم چنین عاملی برای تمایز گروه‌ها از یکدیگر محسوب می‌گردد. موسیقی نوعی هنر است که برای بیان و ابراز هویت نیز به کار می‌رود. هنرمند کرد به منظور کشف و ابراز هویت خود سعی در انطباق با آرمان‌های فرهنگی جامعه‌اش دارد. اما از آنجا که جامعه کرد انتظارات بزرگ و متعالی از هنرمند خود دارد، چنین درخواستی از هنرمند (هنرمند مبارز، با اخلاق، هنرمند ایوئولوژیک) موجب هجرت و گاهی جنون برای هنرمند شده است. اقتضای چنین شرایط اجتماعی و فرهنگی موجب شده تا عنصر هنر و هنرمند حضوری قوی در ترانه‌های کردی داشته باشد.

وطن‌دوستی از ویژگی‌های بارز مردم جهان سوم است که به تشدید احساسات ناسیونالیستی ملت‌ها نیز کمک کرده است. در میان بیشتر اقوام ایرانی وطن را مترادف واژه مادر یا مام به کار می‌برند. در نظام موسیقی کردی نیز حس وطن‌دوستی، علاقه به سرزمین و شهر و دیار حضوری پر رنگ دارد.

از دیگر عناصر محوری موجود در درون نظام موسیقی کردی موضوع دنیا‌گریزی و قناعت است. شرایط سخت معیشتی و دست و پنجه نرم کردن با محیط کوهستانی و سرسخت مناطق کردنشین و فقدان زیر ساخت‌های مناسب اقتصادی موجب بروز روحیه ریاضت‌کشی و قناعت در میان آنها گردیده است. دائمی کردن عنصر دنیا‌گریزی در موسیقی کردی آنها را به سوی تقدیر‌گرایی و نگاه به بیرون از خویش سوق داده است. دستاورد این گونه تمایلات به صورت رویکردی به زندگی در آمده است که در آن افراد بسیاری از نافرجمی‌ها و ناتوانی‌های خود را در حل مشکلات دنیوی در گرو تقدیر و سرنوشت رقم خورده خود می‌دانند و شانس و اقبال را در آن دخیل می‌بینند. برای مثال، داشتن ثروت، فرزندان نیک و همسر خوب و غیره را به شانس و اقبال نسبت می‌دهند و کنش فردی را در حصول به این امتیازات موثر نمی‌دانند. این رویکرد به صورت موضوع محوری در نظام موسیقیایی کردها دیده می‌شود.

مفاهیم حماسی و تاریخی که ریشه در تاریخ پر پیچ و خم کردها دارد، به صورت شاخه‌ای از موسیقی کردی تحت عنوان موسیقی مقام بیت، حیران و غیره تظاهر یافته است. شرح ماجراهای حماسی و تاریخی شخصیت‌های حماسی و اسطوره‌ای و حماسی و قهرمانان ملی آنها مانند صلاح الدین ایوبی، کاوه آهنگر و غیره در سبک‌های از موسیقی هوره، لاوک و حیران بیان شده است.

موضوع مرگ و زندگی که دو عنصر متضاد هم هستند، به ویژه مرگ که مایه سردرگمی آنهاست دست مایه برخی از آوازهای آنها شده است و از موضوعات محوری نظام موسیقیایی کردی است.

## نتیجه

اقتصادی و فرهنگی، و محیطی آنهاست. تعامل این عوامل با موسیقی آنها به عنوان شیوه‌ای از سازگاری موجب شده تا برخی از موضوعات و عناصر بیشتر مورد تأکید و توجه قرار گیرند و حالت محوری در نظام موسیقی کردها داشته باشند. نظام موسیقی کردی را می‌توان به دو دسته اصلی تقسیم کرد: مقام‌ها و ترانه‌ها. ویژگی موسیقی مقامی، داشتن عناصری مانند غم و هجران، سوز و فراق، حماسه و رزم است و از نوع غیر ریتمیکی است، در حالی که موسیقی بسته (ترانه) دارای ریتم شادتر است.

موسیقی پدیده‌ای فرهنگی است که بازتاب عادات، سلیقه‌ها، تمایلات، آرزوها در جمع بیانگر نظام فرهنگی و اجتماعی یک قوم است. بر همین اساس هر جامعه‌ای نظام موسیقایی خاص خود را دارد، که قالبی برای بیان اندیشه‌هایی است که به اشکال دیگر قابل بیان نیستند.

مصائب سخت زندگی و مشکلات ناشی از آن موجب تنوع فراوان در ریتم، ملودی و هارمونی موسیقی کردها شده است. نظام موسیقایی این مردم انعکاسی از شرایط زیست بوم و عوامل

## فهرست منابع:

- آریان پور، امیرحسین (۱۳۵۴)، جامعه‌شناسی هنر، نشر سوم، تهران.  
 آکو پوف، گ. ب.، حصارف، م. ا. (۱۳۷۶)، کردان گوران، ترجمه سیروس ایزدی، نشر هیرمند، تهران.  
 برخوردار، ایرج (۱۳۸۰)، موسیقی مناطق ایران، اداره کل پژوهش و توسعه صدا و سیما.  
 جاوید، هوشنگ (۱۳۷۸)، گنج موسیقی در ایران، فرهنگ و ارشاد اسلامی، کردستان.  
 جنیدی، فریدون (۱۳۶۱)، زمینه‌ی شناخت موسیقی ایران، انتشارات پارک، تهران.  
 زنده‌باف، حسن (۱۳۷۹)، جامعه‌شناسی هنر موسیقی، نشر گنجینه‌ی فرهنگ، تهران.  
 سپینتا، ساسان (۱۳۶۹)، چشم انداز موسیقی ایران، موسسه انتشارات مشعل، تهران.  
 شاربازی، عثمان (۱۹۸۵)، گنجینه‌ی گورانی کوردی، وزارت روشن بیری عراق.  
 صفی زاده، فاروق (۱۳۷۵)، پژوهشی درباره‌ی ترانه‌های کردی، انتشارات ایران جام، تهران.  
 فرخ‌نیا، رحیم (۱۳۸۲)، نظریه‌های مردم‌شناسی، نشر نویسنده، اراک.  
 فکوهی، ناصر (۱۳۸۱)، تاریخ اندیشه و نظریه‌های انسان‌شناسی، نشر نی، تهران.  
 کاظمی، بهمن (۱۳۷۵)، هویت ملی در ترانه‌های اقوام، موسسه مطالعات ملی، تهران.  
 مشحون، حسن (۱۳۴۸)، نظری به موسیقی غرب ایران، انتشارات جشن هنر، شیراز.